

لبوبو و جهان افسرده ما



حامد خانجانی

دانش آموخته فلسفه اخلاق

در دنیایی که با وجود رشد علم، اطلاعات و فناوری، آدم‌ها معنا و مشغله قابل اعتنایی در واقعیت نمی‌یابند، به‌همان نسبت رشد علم و اطلاعات، فانتزی و خیال‌پردازی است که رشد می‌کند. سرگرمی‌های متنوع یکی پس از دیگری تردمی شوند و آدم‌ها روز به روز افسرده‌تر. این می‌شود که یک‌روز یک‌مدل عروسک، یک‌روز یک‌بازی کامپیوتری کشور به کشور جهان را می‌پیماید. در عصر حاضر، هر چه شبکه‌های دانش و فناوری ما گسترده‌تر و پیچیده‌تر می‌شوند، به‌منظر می‌رسد گسست از حس عمیق معنا و ارتباطات اصیل انسانی نیز بیشتر می‌گردد. ما در دریایی بی‌کران از اطلاعات شناوریم، اما این شناوری به‌معنای رسیدن به ساحل خردمندی نیست؛ بلکه اغلب به‌سردرگمی، فلج تحلیلی و اضطرابی وجودی منجر می‌شود. در پاسخ به این آشفتگی، بشریت به‌شکلی فزاینده به‌سوی جهان‌های ساختگی فانتزی گریخته است؛ عروسک‌های ترندشده، بازی‌های ویدئویی غوطه‌ورکننده و سریال‌های سی‌زن‌دار که به‌صورت جمعی مصرف می‌شوند. ژان فرانسوا لیوتار، فیلسوف فرانسوی، این وضعیت را در کتاب «وضعیت پست‌مدرن» تشریح می‌کند. به‌باور او، مشخصه اصلی جامعه پست‌مدرن «بی‌اعتمادی به فراروایت‌ها» است. فراروایت‌ها، همان داستان‌های کلان و همه‌شمولی بودند که در گذشته به زندگی معنا و جهت می‌بخشیدند؛ روایت‌هایی مانند پیشرفت حتمی بشر از میان طریق، رستگاری از طریق دین، یا آزادی از رهگذر ایدئولوژی‌های انقلابی. لیوتار ادعا می‌کند که در دنیای امروز، این داستان‌های بزرگ اعتبار خود را از دست داده‌اند. علم به‌جای آنکه ما را به حقیقت نهایی برساند، به‌خرده‌روایت‌های متعدد، گاه متناقض و بی‌ثبات تقلیل داده است. نتیجه این فروریزی، نوعی «وانهادگی» است. اگر در گذشته یک فراروایت مسیر زندگی را مشخص می‌کرد، اکنون هر فرد مسئولیت دلپره‌آور خلق معنا و روایت زندگی شخصی خویش را بر دوش دارد. اینجاست که سرگرمی‌های فانتزی به‌میدان می‌آیند. این پدیده‌ها، در نبود فراروایت‌های بزرگ، به‌عنوان «خرده‌روایت‌ها» و موقت عمل می‌کنند. آنها برای مدتی کوتاه، حس اشتراک و تعلق ایجاد می‌کنند و جامعه‌ای جهانی را حول یک عروسک (مثل باربی یا لوبوبو) یا یک بازی (مثل فورتنایت یا ماین کرافت) متحد می‌سازند. این اتحاد، اگر چه گذراست، اما پاسخی مستقیم به خلأ به‌جامانده از فراروایت‌هاست. اگر لیوتار به فروپاشی معنا می‌پردازد، ژان بودریار به تحلیل «شکل» جدید این معناهای ساختگی می‌پردازد. بودریار استدلال می‌کند که ما در عصر «شبیه‌سازی» زندگی می‌کنیم، جایی که مرز بین واقعیت و تصویر به‌کلی محو شده است. او مفهوم «هایپررئالیته» را مطرح می‌کند؛ وضعیتی که در آن وانمودگی، یعنی کپی بدون اصل، چنان غالب می‌شود که جای واقعیت را می‌گیرد و حتی ملموس‌تر از خود واقعیت به‌نظر می‌رسد. صنعت سرگرمی و ترندهای فانتزی، دقیقاً ماشین تولید هایپررئالیته هستند. یک بازی ویدئویی با گرافیک فوق‌العاده، یک دنیای فانتزی کامل‌تر، منسجم‌تر و جذاب‌تر از دنیای واقعی، با تمام پیچیدگی‌ها و ناامیدماتش، خلق می‌کند. این دنیاهای «ششانه»‌هایی از واقعیت هستند (مثلاً جنگ، عشق و ماجراجویی) اما بدون خطر و مسئولیت‌های دنیای واقعی. به‌این بودریار، این نشانه‌ها دیگر به واقعیتی ارجاع نمی‌دهند، بلکه تنها به دیگر نشانه‌ها ارجاع می‌دهند و یک سیستم خودارجاع و بسته تشکیل می‌دهند. ما ترجیح می‌دهیم در این هایپررئالیته زندگی کنیم؛ چرا که قابل پیش‌بینی، کنترل‌پذیر و اساساً «لذت‌بخش‌تر» است. شرکت‌ها با درک این مسئله، به تولیدی می‌وقفه این «واقعیت‌های وانمود» می‌پردازند و ما را به مصرف‌کنندگانی منفعل در یک سیستم نشانه‌ای تبدیل می‌کنند. ژگمونت باومن، جامعه‌شناس، با استفاده از مفهوم «آنومی» امیل دورکیم که به وضعیت بی‌هنجاری و فقدان معنا در جامعه اشاره دارد، استدلال می‌کند که جهان امروز در حال تجربه نوعی «آنومی مدرن» است. با این تفاوت که این بار، نه به‌دلیل فقدان قواعد، بلکه به‌دلیل فراوانی و تغییر سریع آنهاست. ما در جامعه‌ای «مایع» زندگی می‌کنیم که در آن همه چیز، از روابط تا مشاغل و ارزش‌ها، سیال، موقت و بی‌ثبات است. این سیالیت، اگر چه آزادی‌هایی به ارمغان آورده، اما بار سنگینی از عدم قطعیت و مسئولیت بر دوش فرد نهاده است. دنیای فانتزی، پناهگاهی در برابر این سیالیت خسته‌کننده است. ترند شدن بیابای عروسک‌ها، بازی‌ها و سریال‌ها، نشان‌دهنده تلاش ناامیدانه جمعی برای یافتن معنا و ارتباطی است که در دنیای واقعی گم شده است. این پدیده‌ها مانند مسکن‌های موقتی عمل می‌کنند که برای مدتی کوتاه درد تنهایی و پوچی را تسکین می‌دهند، اما مسئله اصلی را حل نمی‌کنند.

۱۶ ساعت

24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com
@Hammihanonline

• صاحب امتیاز و مدیر مسئول: غلامحسین کرباسچی
• مشاوران: عباس عبدی و احمد زیدآبادی
• سردبیر: محمدجواد روح • معاون سردبیر: مهرداد خدیر • دبیر آنلاین: شبنم رحمتی
• دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمن منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)
• علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
• مدیر اداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
• لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۵۰



جنگ سرد فناوری

بامضای فرمان اجرایی رئیس جمهور آمریکا، پرونده پلتفرم چینی تیک‌تاک با انتقال مدیریت و کنترل آن به شرکت‌های آمریکایی بسته شد



مسعود شاه‌حسینی

گزارشگر هم‌میهن

جهان سیاست از هر چیزی، دیگری می‌سازد. از حیات، انسان و انسانیت، اخلاق، جنگ، اشغال، تحریم، جغرافیا، مرز و هر چه که فکرش را برکنیم. در عالم فناوری و در تقاطع سیاست و ژئوپلیتیک و تحولات فناورانه نیز قاعده همین است. سیاست تعیین می‌کند. مثل فرمان اجرایی دوروز پیش دونالد ترامپ درباره واگذاری کنترل عملیات تیک‌تاک در آمریکا از بایت‌دنس، شرکت مادر تیک‌تاک، به کنسرسیومی از سرمایه‌گذاران آمریکایی که به فرمان اجرایی ۲۵ سپتامبر ۲۰۲۵ معروف شده است؛ فرمانی که نقطه پایانی بر نزاع حقوقی چندین و چندساله و پُر افتوخیز میان دو دولت بر سر یک پلتفرم تیک‌تاک که برای امنیت ملی هر دو طرف حیاتی بود و دست آخر زور یکی بر دیگری چربید.

کنسرسیومی با دست بالای آمریکایی‌ها

کاخ سفید، فرمان اجرایی ترامپ را «نجات تیک‌تاک با حفظ امنیت ملی» توصیف کرده است؛ توافقی که میان بایت‌دنس و دولت آمریکا حاصل شده، بر سر یک چارچوب واگذاری است که ممنوعیت‌های قانونی برای جلوگیری از فعالیت تیک‌تاک را برای ۱۲۰ روز دیگر به حالت تعلیق درآورد تا معامله نهایی شود. هسته اصلی معامله چنین است: کنسرسیومی جدید تشکیل می‌شود که مسئولیت مدیریت عملیاتی تیک‌تاک را به‌طور کامل عهده‌دار خواهد شد و برای اینکه نگرانی‌های امنیت ملی آمریکایی‌ها رفع شود، در کنترل این کشور خواهد بود. به این صورت که اکثریت مطلق سهام که حدود ۸۰ درصد است و همین‌طور کنترل ساختار هیئت‌مدیره شرکت با در اختیار گرفتن شش کرسی از هفت کرسی در هیئت‌مدیره، به کنسرسیومی از سرمایه‌گذاران آمریکایی شامل غول‌های فناوری نظیر اوراکل و سیلور لیک انتقال داده می‌شود. در مقابل، شرکت بایت‌دنس، به سهمی کمتر از ۲۰ درصد قانع شده و تنها یک نماینده در هیئت‌مدیره خواهد داشت که آن هم قدرت، رأی و اختیاری در هرگونه تصمیم‌گیری درباره مسائل امنیتی و کمیته‌های مرتبط ندارد. حیاتی‌ترین بخش توافق صورت‌گرفته، تضمین امنیت داده و الگوریتم است. در ساختار جدید، ارائه خدمات امنیتی پلتفرم به‌صورت انحصاری به شرکت اوراکل واگذار شده است. این شرکت مسئولیت نظارت مستقل و حداکثری بر سیستم‌های حیاتی و ذخیره‌سازی داده‌های کاربران آمریکایی در داخل خاک آمریکا را نیز بر عهده دارد. همچنین مقرر شده الگوریتم‌های پیشنهادمحوی تیک‌تاک به‌طور کامل با داده‌های کاربران آمریکایی مجدداً آموزش داده شوند و شرکای امنیتی آمریکایی نیز دالماً بر این فرآیند نظارت کنند.

وقتی فناوری امنیتی می‌شود

گرچه صدور فرمان اجرایی ترامپ بر نزاع سیاسی و حقوقی میان بایت‌دنس و دولت آمریکا پایان داد، دو طرف مسیر پی‌رزاز و نشیب‌راپیمودند. ریشه‌های بحران به سال ۲۰۲۰ بازمی‌گردد؛ زمانی که دولت اول ترامپ برای اولین بار، تیک‌تاک را تهدیدی برای امنیت ملی آمریکا خواند. آن زمان تیک‌تاک با جذب ده‌ها میلیون کاربر جوان آمریکایی و صدها میلیون داندلو، به پدیده‌ای اجتماعی تبدیل شده بود. از یک طرف بایت‌دنس با الگوریتم‌های پیشرفته‌اش، رقابتی آمریکایی مانند فیس‌بوک و اینستاگرام را تهدید می‌کرد و هم‌زمان نیز در محافل سیاسی و امنیتی، از احتمالات دیگری سخن به‌میان آمده بود. نگرانی اصلی دولت و قانون‌گذاران آمریکایی، جمع‌آوری داده‌های کاربران چینی از طریق اپلیکیشن بود. آنها به قوانین اطلاعاتی چین استناد می‌کردند که مطابق آن بایت‌دنس مجبور بوده داده‌های کاربران آمریکایی را در اختیار دولت و حزب کمونیست چین بگذارد. دولت‌مدان آمریکا می‌گفتند، چین از داده‌های اپلیکیشن تیک‌تاک برای ردیابی مکان کارمندان فدرال، پرونده‌سازی برای باج‌گیری و جاسوسی استفاده



می‌کند و باید به‌طریقی جلوی آن گرفته شود. همین زمان بود که ترامپ با اعلام وضعیت اضطراری ملی، فرمان اجرایی ای برای مقابله با تهدید تیک‌تاک امضاء کرد. او دستور داد پس از ۴۵ روز هرگونه تراکنش با شرکت بایت‌دنس ممنوع شود و در ادامه نیز فرمان دیگری امضاء کرد که این شرکت را موظف می‌کرد ظرف ۹۰ روز بخش آمریکایی تیک‌تاک را به اوراکل و مایکروسافت بفروشد.

بازی فرمان‌ها و شکایت‌های قضایی

فرمان اجرایی رئیس جمهور آمریکا با زتاب گسترده‌ای داشت. تیک‌تاک ادعاها را واهی خواند و این استدلال که فرمان ترامپ حقوق کاربران را نقض می‌کند، علیه آن به محاکم قضایی آمریکا شکایت کرد که موفق هم شد. دادگاه‌های فدرال بخش‌هایی از محدودیت‌ها را زیاده‌روی و فراتر رفتن از اختیارات قانونی رئیس جمهور تشخیص دادند و غیرقانونی اعلام کردند. کمی بعد هم با روی کار آمدن دولت بایدن، آن فرمان اجرایی لغو و مذاکرات فروش شکست خورد. فشارها ادامه یافت تا اینکه در آوریل ۲۰۲۴، قانونی دوحزبی «حفاظت از آمریکایی‌ها در برابر برنامه‌های کنترل‌شده توسط دشمن خارجی» تصویب شد. این قانون صراحتاً برای بایت‌دنس مهلتی زمانی تعیین کرد که با تیک‌تاک را به نهادهای غیرچینی و غیرمتخاصم واگذار کند یا اینکه با عواقب ممنوعیت کامل اپلیکیشن روبه‌رو شود؛ قانونی که قرار بود از ژانویه ۲۰۲۵ اجرایی شود و دیوان عالی آمریکا هم آن را تأیید کرده بود. با رسیدن به موعد اجرای قانون ۲۰۲۴، دونالد ترامپ چندین بار مهلت اجرای ممنوعیت را تمدید کرد تا مذاکرات برای واگذاری نهایی شود. ۲۵ سپتامبر و امضای فرمان اجرایی، نشان از آن دارد که شرایط به‌طور کامل محقق شده است. در دنیای فناوری، اهمیت و اثرات بلندمدت پرونده تیک‌تاک، بیشتر از یک معادله بین‌المللی است؛ معامله‌ای که گرچه گران بود و حاشیه‌های زیادی داشت، می‌توان آن را اسندی تاریخی درباره حکمرانی دیجیتال جهانی و مفهوم نوظهوری به‌نام انحصار فناوری تعبیر کرد؛ مفهومی که پیامدهای عمیقی بر جهان خواهد داشت و اگر در میان مدت‌وبلندمدت به‌زنجیره‌ای از واکنش‌ها نینجامد، تعجب‌ناپذیر کرد. در واقع این ماجرا، به‌منزله‌رود رسمی جهان به عصر کنترل زیرساخت‌های فناوریانه است. اگر تا پیش از این، مجادله‌ها و بحث‌ها درباره مدل‌های سنتی ضد انحصار معطوف به تسلط بازار و قیمت‌گذاری متمرکز بود، حالا تصمیمی که برای تیک‌تاک گرفته‌اند، مفهوم انحصار با فشار و تهدید سیاسی و قضایی برای سلب مالکیت نیز پیوند خورده است. انحصاری که این بار نیست آن کسب برتری و هژمونی فناوری است.

معنای جدید ناسیونالیسم

فرمان اجرایی ترامپ یک گرایش جهانی به‌سوی ناسیونالیسم فناوری را نیز بر جسته می‌سازد؛ جایی که پلتفرم‌های محبوب دیگر دارایی‌های تجاری صرف محسوب نمی‌شوند که برکس به‌منزله دارایی‌های استراتژیک شناخته می‌شوند که باید تحت حاکمیت ملی به‌مانند در اولویت جنگ با رقابتی جهانی قرار بگیرند. از وجهی دیگر، این فرمان به‌منزله فصلی کلیدی در داغ‌تر شدن جنگ سرد فناوری میان آمریکا و چین است؛ در منازعه‌ای که واکنشگن تیک‌تاک را بخشی از قدرت دیجیتال و زرادخانه نفوذ پکن می‌داند، به‌دست آوردن کنترل آن، مصداق باز تلاش‌های روزافزون برای عملیاتی کردن ایده جداسازی دیجیتال میان دو کشور است. دو کشوری که اقتصاد فناوری‌شان با فاصله‌ای حیرت‌آور با دیگر کشورها پایه‌پای یکدیگر پیش می‌رود. به‌ویژه اینکه با شتاب گرفتن آهنگ رشد شرکت‌های فناوری چینی، آمریکایی‌ها بیش از پیش مصمم شده‌اند جداسازی فیزیکی و عملیاتی زیرساخت‌ها و ممنوعیت انتقال فناوری، مرزبندی جدیدی در حوزه فناوری تعیین کنند. داستان تیک‌تاک نشان می‌دهد که فناوری در عصر کنونی ابزار چانه‌زنی کلیدی در دیپلماسی است؛ همان چیزی که به دیپلماسی فناوری در ادبیات حوزه آی‌سی‌تی کشور ما نیز دنبال می‌شود. نهایی شدن این توافق پس از کش‌وقوس‌های سیاسی و امنیتی بسیار و گفت‌وگوهای سطح بالا میان ترامپ و رئیس جمهور چین ثابت می‌کند که فناوری در بطن نبرد بر سر آینده تسلط جهانی قرار دارد. فرمان اجرایی ۲۵ سپتامبر برای تیک‌تاک حکایت مواجهه دو ابر قدرت در جدی‌ترین میدان رقابت قرن بیست‌ویکم است؛ کنترل بر داده‌ها و الگوریتم‌هایی که نه‌تنها اقتصاد و سیاست، بلکه اجتماع و رفتار و عقاید نسل‌های آینده را شکل می‌دهند و هم‌زمان نیز خودشان تابع مصالح، مناسبات و زور زواری‌هایی ژئوپلیتیک است.

چهره

مترجم خودآموز



ششم مهرماه ۱۳۷۰ به‌زاد باشی؛ نویسنده و مترجمی که زبان انگلیسی را در دوران زندان پس از کودتای ۲۸ مردادماه و با کمک پدرش آموخته بود، درگذشت. باشی در جوانی وارد فعالیت‌های سیاسی شد و از زجر زندان و تلخی تبعید، برکنار نماند. در زندان جز زبان انگلیسی، با موسیقی کلاسیک نیز آشنا شد. بعد از زندان اما جز ترجمه، وارد حوزه رسانه شد و قریب به سده‌ده در مطبوعات کشور، رادیو، تلویزیون و خبرگزاری‌ها حضور فعال داشت. در کارنامه باشی، ترجمه کتاب‌هایی همچون «جامعه فئودالی»، «آمریکای بزرگ و حقوق بشر»، «زندگی شومان»، «خبنگاری و موسیقی ایرانی» و «تاریخ موسیقی خاورزمین» دیده می‌شود اما مهمترین بازگردان او را باید «تاریخ جامع موسیقی» دانست؛ کتابی چهار هزار صفحه‌ای و کاربردی که به‌قلم ننی چند از برجسته‌ترین مدرسان آکادمی‌های شناخته‌شده موسیقی نوشته شده است. این مجموعه وزین در دوره نهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به‌عنوان کتاب سال برگزیده شد. یکی از دلایل این امر، دشواری یافتن معادل‌های مناسب فارسی برای واژگان لاتین بود؛ امری که باشی به‌خوبی از پس آن برآمده بود.

کتابخانه

رویکرد ادبی به تفسیر قرآن

امین خولی (۱۹۶۶-۱۸۹۵) استاد دانشگاه، قرآن‌پژوه، نویسنده مصری و از مهمترین شاگردان غیرمستقیم محمد عبده، از پیشگامان رویکرد ادبی به تفسیر قرآن محسوب می‌شود. خولی، قرآن را بزرگ‌ترین کتاب عربی و مهم‌ترین اثر ادبی جهان عرب می‌داند و از این‌رو معتقد است که برای درک قرآن باید از روش‌های ادبی بهره برد. او پس از نقل سخنان محمد عبده که غرض اصلی تفسیر را فهم کتاب خدا و هدایت‌یافتن به‌وسیله آن می‌داند، این دیدگاه را به‌عنوان نخستین هدف تفسیر نمی‌پذیرد و غرض و مقصد مقدم‌تر دیگری را معرفی می‌کند که عبارت است از: بررسی قرآن از آن جهت که بزرگ‌ترین کتاب عربی و مهم‌ترین اثر ادبی عربی است. خولی با تأکید بر عدم ترتیب‌یافتن مصحف کنونی بر طبق ترتیب نزول آیات و به‌تبع آن پراکندگی آیات مربوط به یک موضوع در سوره‌ها و سیاق‌های مختلف، تفسیر ترتیبی قرآن را نامطلوب تشخیص می‌دهد و به‌جای آن تفسیر موضوعی قرآن را پیشنهاد می‌کند و آن را بهترین و مطمئن‌ترین روش تفسیری می‌داند.



نام کتاب: تفسیر پیدایی
رشد، تکامل

نویسنده: امین خولی

مترجم:

علی علی محمدی

نشر: سنگلج

تاریخ

تأیید وجود آب در مریخ



ششم مهرماه ۱۳۹۴، در رویدادی تاریخی، ناسا وجود آب در مریخ را تأیید و اعلام کرد که در ماه‌های گرم، در این سیاره آب جاری وجود دارد. ناسا این امر را پس از دریافت عکس‌هایی که از مریخ به زمین رسیده بود متوجه شد. در این تصاویر به‌طور واضح دیده می‌شود که رگه‌های تیره روی یک سرازیری در مریخ، چگونگی با فصل‌ها تغییر می‌کنند. دانشمندان ناسا در این نشست اعلام کردند که هنوز برای اثبات وجود حیات روی مریخ زمان نیاز است اما کشف آب نشان می‌دهد که این مسئله، ممکن است. به‌تازگی نیز در مقاله‌ای منتشره در نشریه «نشنال ساینس ریویو» آمده است، ضبط امواج لرزه‌ای از عمق سیاره سرخ نشان می‌دهد که ممکن است لایه‌ای از آب مایع در میان سنگ‌های مریخی در عمقی بین ۵/۴ تا ۸ کیلومتر زیر سطح پنهان شده باشد. نویسندگان این پژوهش برآورد کرده‌اند که حجم کل آب پنهان، ممکن است به اندازه‌ای باشد که تمام سطح مریخ را با اقیانوسی به عمق ۵۲۰ تا ۷۸۰ متر پُر کند. این مقدار تقریباً برابر با حجم مایعی است که در صفحه یخی قاره جنوبگان وجود دارد.